

کشاورزی در جزیره العرب قبل از اسلام

مهدی مینایی وفا*

چکیده؛

شبه جزیره عربستان خاستگاه اسلام، و محیطی است که در نظر ابتدایی، بیابانی خالی از گیاه و حیات تصور می‌شود، اما با تأمل و بررسی معلوم می‌شود که متناسب با اقلیم خود و جغرافیای حاکم بر مناطق گوناگون آن، از تنوع گیاهی و جانوری خاصی برخوردار است و محصولات مختلفی در مناطق مختلف آن کشت و زرع می‌شده است. این شناخت باعث می‌شود نوع نگرش ما به این منطقه تغییر نماید. در این تحقیق به انواع روشها و نیز محصولات کشاورزی که در مناطق مختلف شبه جزیره رایج بود، پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی؛

کشاورزی، درآمد، عصر جاهلی، شبه جزیره.

* دانش‌پژوه سطح سه رشته تاریخ تشیع مؤسسه آموزش عالی حوزوی امام رضا (ع).

مقدمه؛

زراعت و کشاورزی یکی از اساسی ترین ثروت مردم و از ساده ترین و اولین شغل‌ها و راه‌های تأمین زندگی و معیشت می‌باشد، انسان از روز نخست خلقت و پس از هبوط به دنیا، بعد از شناخت نسبت به محیط خود و آفریده‌ها و نعمتهای موجود در آن، اولین ماده غذایی که برای برطرف کردن نیاز خود برگزید و به آن روی آورد، گیاهان و میوه‌ها و رویدنی‌ها بود، و پس از آشنایی و پی بردن به ویژگی‌های گیاهان و نباتات به پرورش و تولید محصولات کشاورزی روی آورد و توانست مواد غذایی مورد نیاز خود را با کشت و زرع افزایش داده و در اختیار بگیرد.

سؤال‌هایی که در این مقاله دنبال پاسخ به آن‌ها هستیم اینکه؛ آیا در جزیره العرب کشت و زرع صورت می‌گرفته است یا خیر؟ و در چه مناطقی بوده؟ و چه نوع کشت و زراعتی انجام می‌شده است؟ تأثیر این فعالیت بر حیات اقتصادی و نوع تعامل مردم جزیره العرب با سایر مناطق آن چه بوده است؟

در اهمیت کشت و زرع پیامبرگرامی اسلام ﷺ فرمودند: هر کس درخت تاکی یا کُناری را سیراب کند، چنان است که مؤمن تشنه‌ای را سیراب کرده باشد.^۱ امام صادق علیه السلام فرمودند: زراعت کنید و درخت بکارید، به خدای سوگند که مردمان هیچ کاری حلالتر و پاکیزه‌تر از این ندارند.^۲

فرض ما بر این است که علی‌رغم خشک و بیابانی بودن جزیره العرب در اکثر مناطق، کشت و زرع در مناطق مختلف آن انجام می‌شده و تأثیر زیادی نیز بر اخلاق و رفتار مردم آن داشته است.

آثار زراعت و کشاورزی بر حیات و اخلاق جامعه

زراعت در هر سرزمینی که دارای زمین مناسب، بارندگی کافی، چشمه‌های جوشان، رودهای جاری، و چاه‌های پرآب باشد قابل مشاهده است. وجود آب و

۱. النبی صلی الله علیه و آله: من سقى طلحة أو سدره، فكأنما سقى مؤمنا من ظمأ. «۱» الحیة، ترجمه احمدآرام، ج ۵، ص: ۵۰۷، از وسائل الشیعه ج ۱۲.

۲. الإمام الصادق علیه السلام: ازروعوا و اغرسوا، و الله ما عمل الناس عملا أحلّ و أطیب منه. الحیة، ترجمه احمدآرام، ج ۵، ص: ۵۱۰.

کشاورزی در جزیره العرب قبل از اسلام

کشاورزی آنقدر مهم و ارزشمند است که منطقه‌ای که دارای آب است در خوشبخت و بدبخت نامیدن افراد تأثیر گذار بوده است؛ "والسعيد في جزيرة العرب من ولد في مستوطنة ذات ماء. فهو في عيشة هنيئة راضية..."^۱

از سوی دیگر، آثار تمدن و شکوفایی زندگی اجتماعی در این مناطق بسیار مشاهده می‌شود، تمدن‌ها غالباً در جایی شکل گرفته و رشد یافته است که آب فراوان و امکانات زندگی وجود داشته است؛ لذا حتی تمدن جاهلی را که ممکن است بسیاری قائل به آن نباشند، به تعبیر نویسنده المفصل در مناطق جنوبی شبه جزیره، به خصوص یمن قابل مشاهده است؛ این مناطق دارای وضعیتی متعادل، مرکز رحمت و شرم و نعمت و احساس است، آب فراوان و زمین مستعد دارد و ویژگی‌هایی که جان را نوازش و اعصاب را آرام می‌کند، لذا مردمانش، نسبت به سایر مناطق شبه جزیره، نرم خو و سازشکارترند،^۲ دارای روحیه تعاون و همکاری هستند^۳، و این خود عامل پایداری و شکل‌گیری تمدن و مظاهر تمدنی خواهد بود.

با این وجود، جزیره العرب ویژگی‌های اقلیمی و صورت‌های متنوع و مختلفی دارد، بخش عمده این منطقه به دلیل عدم وجود خاک مناسب و فقدان بارندگی و آب کافی، فاقد پوشش گیاهی و غیر قابل کشت و زرع می‌باشد، اما بخش‌هایی از آن مستعد کشاورزی و باغبانی و... بوده و از نزولات جوی یا آب‌های جاری برخوردار است و متناسب با شرایط اقلیمی خود محصولاتی را تولید می‌کنند. در کنار این مسأله، شغل‌های مستقیم و غیر مستقیم شکل می‌گیرد و قراردادهای و معاملاتی متناسب و متجانس برقرار می‌گردد. قراردادهایی چون؛ مزارعه، مساقات، و شغل‌هایی چون کشاورزی، باغبانی، نگهداری، آسیابانی، علوفه فروشی و... که در جای خود به آن پرداخته خواهد شد.

۱. " وفي هذه المواضع نجد الحضارة الجاهلية و من آثارها نستنبط التاريخ الجاهلی و فیها نرى معدن الرقة و موطن اللین و الدمائه، لما فیها من ظرف تهدأ النفس و تریح الأعصاب..." المفصل، جلد ۷، ص ۱۲.

۲. المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۱۳/۷.

۳. المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۱۳/۷.

مهم ترین و اصلی ترین مراکز کشت و زرع در جزیره العرب

الف. یمن

یمن در جنوبی ترین نقطه عربستان و در کنار سواحل خلیج عدن قرار دارد، زراعت و کشاورزی اساسی ترین راه کسب درآمد یمن و بقیه مناطق جنوبی عربستان و نیز هر جا که بارندگی و آب فراوان است می باشد. کشاورزی در یمن به سه شکل؛ مستقل (عده ای برای خود و در زمین های مربوط به خود کشت و زرع داشتند)، اجاره (گروهی به عنوان اجیر برای ملاکین و زمین داران کار می نمودند)، و مشارکت (مشارکت با دیگران) بود. کثرت اصطلاحات کشاورزی در جنوب و یمن از سویی، و وجود قنات ها و سدها از سوی دیگر، نشانه وسعت کشاورزی در این منطقه می باشد.

ب. یثرب

در صدر اسلام در شمال مدینه به سبب وجود چشمه ها و چاه ها، درختان خرما غرس شده و کشاورزی و زراعت در آن متداول بوده است.^۱ از شمال یثرب به سمت فلسطین، به سبب وجود آب، روستاهای مختلف و مسکن هایی ایجاد شده بود، که علاوه بر کشاورزی و باغداری، به سبب عبور کاروان های تجاری، از رونق و مدنیت برخوردار بود.

یثرب به سبب حفر چاه هایی که آب آنها به سطح زمین نزدیک بود و انتقال آب برای کشاورزی، در کنار استعداد خاک و نیز اصلاحات به عمل آمده در خاک های نامرغوب، از رونق زراعت و باغداری برخوردار بود، نخلستان و زراعت، در کنار باغداری، سرسبزی خاصی به آن بخشیده بود و همین مزارع، اموال پاک زیادی را نصیب آنها کرده بود، به نحوی که برخی از آنها، از ثروتمندان بودند. گاه آب را از استخرهایی که در حره - منطقه ای در نزدیکی یثرب - ایجاد نموده بودند، به مزارع خود انتقال می دادند.^۲

در سایه درختان نخل به کشت حبوبات و سبزیجات می پرداختند^۳ و در ضمن با

۱. المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۴۰/۷

۲. المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۴۱/۷

۳. المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۴۲/۷



کشاورزی در جزیره العرب قبل از اسلام

بهره گیری از روش های وارداتی از شام و عراق، به کشت محصولات جدید، از جمله خربزه می پرداختند^۱ و در کشاورزی تنوع داشتند. هر چند برخی قائلند که انصار در مدینه به سبب درگیری که بین اوس و خزرج بود از کشاورزی باز مانده بودند و بیشتر زراعت مدینه در دست یهود بود.^۲

ج. بقیع

از جمله مناطق اطراف مدینه که خاستگاه نژاد، اصل و بن مایه های درخت در جزیره العرب بوده و گونه های مختلف در آن بعمل می آمد، بقیع است. مکان وسیعی بقیع نامیده می شد که در آن درختی باشد، هر چند امروزه به مقبره مشهوری در مدینه گفته می شود. از آن رو هر گروه و فردی دارای بقیع بود به طوری که «بقیع الخیل، بقیع الخبجة، بقیع الزبیر و...» معروف بود.^۳

د. فدک

از جمله مناطق حاصلخیز در محدوده یثرب، وادی غرس در نزدیکی فدک است.

هـ. جرف

از جمله سرزمین هایی بود که در آن به شکل ارباب و رعیتی زراعت انجام می گرفت، سرزمین "جرف" به فاصله سه مایلی در نزدیکی مدینه بود که به عمر بن خطاب اختصاص داشت. عبدالرحمن بن عوف نیز در این منطقه زمین زراعی و کشاورزی داشت که زندگی سالیانه خود را از آن تأمین می کرد و باشیوه خاص و به کمک سیستم انتقال آب با شبکه ی از چاه ها آبیاری می شده است.^۴

و. وادی هجر

از مناطقی که به سبب اجتماع انسان ها و نیز وجود آب مورد توجه بود وادی هجر است که در شرق شبه جزیره است، اما به دلیل ساکن بودن آب در این قسمت و جریان نداشتن آن، بیماری وبا در آن شایع بود.^۵

۱. المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۴۳/۷.
۲. المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۴۳/۷.
۳. المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۴۲/۷.
۴. المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۴۲/۷.
۵. المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۴۴/۷.

ز. أحساء

از دیگر مناطق شرقی مشهور به زراعت و کشاورزی، أحساء است. از محصولات آن نخل و برخی سبزی‌ها می‌باشد.

ح. مکه

قرآن کریم از زبان حضرت ابراهیم علیه السلام مکه را سرزمینی بی آب و علف و غیر قابل کشت و زرع معرفی می‌نماید که هیچ نوع زراعتی در آن انجام نمی‌گرفت.

«رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ» (سوره ابراهیم آیه ۳۷)

مفسرگران مایه، علامه طباطبایی، می‌نویسد:

«مقصود از "غَيْرِ ذِي زَرْعٍ"، "غیر ذی مزروع" است، آن طور تعبیر کرد تا تاکید را برساند، و در نداشتن رویدنی مبالغه نماید، چون جمله مذکور بطوری که گفته‌اند علاوه بر دلالت بر نبودن زراعت، این معنا را هم می‌رساند که زمین غیر ذی زرع اصلاً شایستگی زراعت را ندارد، مثلاً شوره‌زار و یا ریگزار است، و آن موادی که رویدنی‌ها در رویدن احتیاج دارند، را ندارد، به خلاف آن تعبیر دیگر که فقط نبودن زرع را می‌رساند، و این نکته در جمله «قُرْآنًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عَوْجٍ - قرآنی عربی غیر معوج»^۱ نیز هست».^۲

ط. طائف

منطقه‌ای در نزدیکی مکه که به سبب کشاورزی و زراعت و باغات، نقش مهمی در تأمین ارزاق اهل مکه و سایر بلاد داشت. این منطقه و نعمت‌های آن، استجابت دعای حضرت ابراهیم علیه السلام است، آن هنگام که هاجر و اسماعیل را به فرمان خدا در سرزمین مکه رها کرد و به پیشگاه خدای تعالی دعا نمود که: «... وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ» و مشعر به این مطلب روایتی است که از وجود مبارک امام رضا علیه السلام رسیده است؛

۱. سوره مبارکه زمر / ۲۸.

۲. ترجمه المیزان، ج ۱۲، ص: ۱۱۱.



کشاورزی در جزیره العرب قبل از اسلام

«آنگاه که ابراهیم با خدای خود نجوا کرد و درخواست نمود که اهل این سرزمین را از هر ثمره‌ای نصیب فرما، خداوند به قطعه‌ی از اردن امر فرمود، پس دارای ثمره و میوه گردید تا آنجا که خانه را فرا گرفت، سپس امر فرمود تا به این موضع مایل شود که طائف نامیده می‌شود، و به همین دلیل به طائف نامیده شد»^۱.

ی. یمامه یا جوف

از اراضی و مناطق حاصلخیز که به سبب وجود آب زیر زمینی در سطح نزدیک به زمین و نیز چشمه‌های فراوان از امکان و زمینه کشاورزی خوبی برخوردار بود.^۲

محصولات زراعی و کشاورزی

آنچه از مطالعه مناطق مختلف شبه جزیره به دست می‌آید - برخلاف تصور ابتدایی و عمومی از سرزمین حجاز - باید گفت که این منطقه از تنوع محصولات کشاورزی، البته با پراکندگی جغرافیایی خاص خود برخوردار است که در دو بخش محصولات باغی و کشاورزی قابل طرح است.

از جمله محصولات کشاورزی آن می‌توان به؛ گندم، جو، عدس، پیاز، لوبیا^۳ برنج^۴، باقلا^۵ ماش و... که هر یک دارای اقسامی است اشاره کرد، به عنوان نمونه گندم دارای انواعی است که بر حسب خصوصیت هر نوع، نام ویژه‌ی دارد، از قبیل؛ بُر، حنطه، قمح، بیضاء، سمراء، بثنیه. کیفیت آن نیز بر حسب مناطق متفاوت است و بهترین زراعت گندم مربوط به طائف می‌باشد.^۶

محصولات باغی و جالیزی

از جمله محصولات باغی - علاوه بر نخل خرما که در بیشتر مناطق حجاز غرس

۱. البرهان فی تفسیر القرآن، از علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۴۲ - ۵۷۶۷/ [۴] - ابن بابویه: قال: حدثنا علی بن حاتم، قال: حدثنی محمد بن جعفر و علی بن سلیمان، قالا: حدثنا أحمد بن محمد، قال: قال الرضا (علیه السلام): «أتدری لم سمیت (الطائف) الطائف؟» قلت: لا. قال: «لأن الله عز و جل لما دعاه إبراهيم (علیه السلام) أن یرزق أهله من کل الثمرات، أمر قطعة من الأرض نفس ارتب ثمارها حتی طافت بالبيت، ثم أمرها أن تنصر فإلی هذا الموضع الذی سمی الطائف، فلذلک سمیت الطائف».

۲. المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۳۸/۷.

۳. البیقیة: حب أكبر من الجلبان أخضر یؤکل مخبوزاً و مطبوخاً و تُغْلَقُه البقر و هو بالشام کثیر: (لسان العرب).

۴. المفصل، ج ۷، ص ۵۹. الرز - (ن): برنج. این واژه لغتی است در (الأرز) و یونانی است. (فرهنگ ابجدی).

۵. الفطنیه.

۶. المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۵۸/۷.

می شود - درخت سدر، گُنار،.... نیز کشت می شود. از جمله محصولات باغی و جالیزی؛ انگور، خیار، خیار چمبر، نوعی خربزه،^۱ بقل(سبزی خوردن)^۲ و سیر^۳ را می توان نام برد.

انواع درختان از لحاظ مناطق رشد

۱- باغی و پرورشی، ۲- وحشی، ۳- کوهستانی، و ۴- عادی

درختان میوه در شبه جزیره جای خود را دارند و مناطقی به این امر می پردازند که دارای شرایط مساعد و مناسب باشند. از جمله این مناطق طائف و یمن می باشند که به جهت ویژگی های خاص و آب کافی؛ باغداری و کشاورزی از رونق خاص برخوردار بوده و اشتغال عمده در این منطقه را به خود اختصاص داده و درآمد اکثر مردم آن از همین طریق می باشد. مردم این دو منطقه بخصوص به امر باغداری اهتمام ویژه دارند تا آنجا که برخی درختان و نهال های خود را از شام، افریقا و هند که از مرغوبیت و کیفیت مطلوب برخوردارند وارد می کنند، در نتیجه اسامی غیر عربی آنها که غالباً از همان مبدأ درختان و نهال ها اخذ شده، وارد ادبیات و زبان عرب جاهلی شده است.^۴ از جمله درختان معروف؛ زیتون وحشی که بیشتر در مناطق کوهستانی و ارتفاعات است، گیاهی که از آن روغنی استخراج می کنند به نام "قطران" که در پوشاندن منافذ و روزنه ها استفاده می شود و از چوب آن مسواکی که به «اراک» مشهور است، تولید می شود.^۵ حماط درختی شبیه زیتون که برگ و بوی خوبی دارد و درشکاف کوه ها رشد می کند و میوه هایی شبیه زیتون ولی کوچک و رنگ های مختلف دارد.^۶ «التألب»، «الشوحط» و «النبع» از دیگر درختان وحشی این مناطق می باشد.^۷ درختان کوهی بسیاری ذکر شده که اشاره به آنها مجال دیگری می طلبد.^۸

۱. القُوس - (ن): نوعی خربزه. (فرهنگ ابجدی).

۲. البقل - جُبُول (ن): بر گیاهان وتره بار خوردنی اطلاق می شود، سبزی خوردن. البَقْلَاوی - باقلاوا، گونه ای شیرینی معروف. این واژه ترکی است. (فرهنگ ابجدی).

۳. الثوم - (ن): سیر، که برای خوشبو کردن غذا بویژه گوشت از آن استفاده می شود (فرهنگ ابجدی).

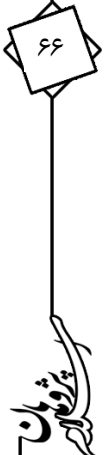
۴. المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۷/۷۷.

۵. المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۷/۷۸.

۶. المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۷/۷۸.

۷. المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۷/۷۹.

۸. علاقمندان را به المفصل جلد ۷ صفحه ۷۸ الی ۸۸ ارجاع می دهیم.



گیاهان خود رو

گیاهان خود رو و کم یابی در شبه جزیره رشد می کنند که برخی مصرف دارویی داشته و برخی نیز برای خوشبوکردن و برخی نیز به عنوان خوراک حیوانات استفاده می شد. «حنظل» در نزد عرب بسیار معروف است که به وسیله آن بیماری‌ها را مداوا و امراض زیادی را معالجه می کردند و برای آن ارزش بسیاری قائل بودند.^۱ برخی گیاهان خار دار در شبه جزیره به صورت فراوان و پراکنده وجود دارد که عموماً به صورت معمولی و بعضی پس از کوبیدن خارها، به عنوان علوفه دام‌ها مورد استفاده قرار می گیرد که به «ذالشوکه» یا خاردار شهرت دارند.

درختان از لحاظ ثمره و میوه

تنوع درخت نیز از نکات قابل توجه در شبه جزیره است. از درختان پراکنده و مقاوم بیابانی، تا باغ‌های آباد و درختان سرسبز و نیز وجود متراکم درختان در برخی مناطق آن که در فارسی جنگل نامیده می شود و در زبان عرب جاهلی اسامی و الفاظ مختلفی برای انواع آن وضع شده بود، که حاکی از وجود این گونه جنگل‌ها و مناطق پر درخت است.^۲ درختان به دو قسم مثمر و غیر مثمر تقسیم می شود که از درخت غیر مثمر برای آتش و تهیه ذغال^۳ و ساخت خانه و... استفاده می شد که در کوه‌های «السراة» درختان خوبی وجود داشت.^۴ نخل از درختان شایع بود، برخی درختان میوه هم در این سرزمین یافت می شد. درخت نخل در هر جایی که اندکی آب یافت می شد و دانه‌ای افشاند می شد، امکان رشد داشت و لذا در نقاط مختلف حجاز قابل مشاهده است، نخل درختی است صبور و مقاوم در برابر بی آبی و گرما.

از آنجا که اعراب غالباً ناگزیر به جابجایی و نقل مکان از جایی به جای دیگر بودند و مانند شهر نشینان یا اهل حضر امکان یکجا نشینی نداشتند، لذا معمولاً کمتر به غرس درخت اقدام می نمودند و آنچه که ایجاد می نمودند، محدود و محدود بود. به جز درختان نخل و برخی زراعات شایع و مورد نیاز و زود بازده، امکان کشت یا غرس

۱. المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۶۲/۷.

۲. المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۸۹/۷ تا ۹۲.

۳. المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۹۲/۷.

۴. المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۶۶/۷.

برایشان وجود نداشت.

نخل که درخت خرماست، دارای مزارع و باغاتی است که عموماً به دست خود افراد ایجاد می‌شود تا جایی که به محلی که درخت نخل کشت و زرع می‌شود «النخیل، منخل، مزرع النخل» می‌گویند. از مهمترین و مشهورترین مناطقی که نخل در آن زراعت می‌شود، منطقه نجران است،^۱ ولی مشهورترین مکان از لحاظ خرما «هجر» و «خیبر» و «تیماء»^۲ «یمامه»^۳ است که به سبب کثرت خرما و کیفیت آن معروف است.^۴ همچنین از یثرب به سمت شمال و شام نیز دارای نخل‌های بسیار و معروفی است، تاجایی که در شعر منتسب به امری‌القیس از کثرت آن تمجید و تعریف شده است؛ **علون بأنطاکیه فوق عقمه کجرمة نخل أو کجنة یثرب**^۵

نخل انواعی دارد که به اختصار؛ الصرفان، البرنی، التعضوض، البحون، السری، اللصف، الفحاحیل، المجتبی، الجعادی، الشماریخ المشمرخ، البیاض، السواد نامیده می‌شود که بر اساس، طعم، رنگ، کیفیت، منطقه و... می‌باشد.^۶

انگور

«گرم» اصطلاحی است که برای درخت انگور استفاده می‌شود. این محصول در اکثر شبه جزیره که دارای آب کافی و هوای مناسب باشد و در بوستان‌ها و باغات ایجاد می‌شود. مشهورترین منطقه، یمن است که نیاز به توصیف ندارد و سود سرشاری از طریق فروش آن نصیب مردم می‌شود و مناطق مختلفی از آن به کشت این محصول اختصاص دارد. طائف نیز از مراکز مهم کشت انگور در شبه جزیره است. برخی از انگورها اصالتاً مال عربستان است و برخی نیز از شام وارد شده و پرورش داده شده است. خشک شده آن را «زبیب» می‌گویند.

برای انگور انواعی گفته شده است؛ الجرشی، الکلافی، التربی، الرمادی، الغریب،

۱. المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۶۷/۷.

۲. المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۷۰/۷.

۳. المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۷۱/۷.

۴. المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۶۹/۷.

۵. المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۷/ از تاج العروس.

۶. المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۷۲/۷.



الحمنان، العنجد، الفرصد^۱ که این نامگذاری‌ها به سبب تنوع، طعم، خواص و ویژگی‌ها و مناطق مورد کشت می‌باشد.

انجیر

انجیر از جمله درختان میوه‌ای است که در حجاز، یمن، و سایر مناطق جزیره العرب معروف می‌باشد و در قرآن کریم نیز به آن اشاره شده است. انواع مختلفی بر اساس محل کشت و پرورش دارد که عبارتند از؛ بریه، ریفیه، سهلیه، جبلیه. و نیز تنوع رنگی آن نیز بالاست؛ زرد، قرمز و سیاه. در منطقه «السراة» فراوان است و به صورت تازه، خشک شده و پخته استفاده می‌شود.^۲

انار

از میوه‌های معروف در حجاز و یمن که قرآن کریم هم متذکر آن شده است^۳ انار می‌باشد. بیابانی و کوهستانی دارد، که بیابانی آنرا «المظ» گویند. نوع کوهستانی اش در کوه‌های «السراة» و سایر کوه‌های مستعد است.

سیب، موز، توت، خوخ، زیتون، سدر

از دیگر میوه‌ها و محصولات باغی معروف و موجود در حجاز هستند، که هر یک خواص و کارکردهایی دارند. از جمله زیتون که در قرآن کریم^۴ به آن اشاره شده که از آن روغن گرفته و مصرف می‌نمایند، و نیز درخت سدر که به عنوان ماده‌ی خوشبو به عنوان صابون و شوینده‌ی معطر استفاده می‌شود که خواص دارویی نیز دارد.

گردو

از دیگر محصولات کشاورزی و باغی که جزو خشکبار محسوب می‌شود؛ گردو است که بیشتر در یمن وجود دارد. گردو درختی است که در مناطق کوهستانی پرورش می‌یابد و انواع وحشی و اهلی دارد و چوب آن نیز به سبب استحکام و قوت در صنایع مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۱. المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۷/۷۴.

۲. المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۷/۷۴.

۳. سوره مبارکه انعام / ۹۹

۴. سوره مبارکه تین.

بادام

بادام از جمله محصولات است که در شبه جزیره وجود دارد و نام آن «اللوز» یا «القمروص» است که دو نوع شیرین و تلخ دارد. شیرین آن در خوراک و هردو آن در درمان بیماری‌های پوستی و داخلی استفاده می‌شود.^۱

پوشش گیاهی و مراتع

با نزول باران، گیاهان متنوعی در بیابان‌ها می‌روید که هر یک علاوه بر ویژگی‌های خاص و شکل و شمایل، دارای طعم و کاربرد غذایی و دارویی بوده و چراگاه‌های متنوعی را ایجاد می‌نماید. چراگاه‌ها یا خصوصی‌اند و دارای مالک مشخص از فرد تا قبیله و یا عمومی بوده و مالک مشخص ندارد و همه می‌توانند از آن بهره برداری نمایند.^۲



۱. المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۷/۷۸.

۲. المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۷/۹۷.

جمع بندی و نتیجه گیری

بر خلاف تصور ابتدایی از جزیره العرب، که آن را سرزمینی کاملاً بیابانی و فاقد زندگی نباتی تصور می‌کنند، سرزمینی است متنوع از لحاظ کشاورزی و دارای محصولات باغی و زراعی. علاوه بر مناطق فوق در قسمت‌های دیگری نیز زراعت انجام می‌گرفت که عبارتند از: قطر، کاظمه، مرائض، نقبره، تمیم و... که مناطق دارای موقعیت کشاورزی می‌باشند. در مجموع می‌توان گفت اغلب این کشاورزی برای تأمین معاش خود صاحبان زمین یا کشاورزان بود، در مواردی که بیش از مصرف بود آن را به وسیله حیوانات خود به بازارها برده و به فروش رسانده و وسایل و لوازم مورد نیاز خود را تأمین می‌نمودند. گاه برخی از محصولات را حتی به مناطقی خارج از شبه جزیره صادر می‌نمودند، یا محصولات و بذر و نهال مورد نیاز را از سایر نقاط وارد می‌نمودند که این خود در رونق تجاری و ارتباط با سایر بلاد تأثیر بسزایی داشت.

از سوی دیگر، تهیه و تولید محصولات باغی و زراعی فی نفسه اشکالی نداشته و مشروع و نامشروع نداشت، مگر آنجا که به خاطر شرایط یا عوامل خارجی، مانند عقود و پیمان‌ها یا تجاوز به حریم دیگران و غصب و... دچار اشکال می‌شد.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
۱. الحیاة، ترجمه احمد آرام.
 ۲. المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام.
 ۳. ترجمه المیزان.
 ۴. البرهان فی تفسیر القرآن.